



نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۶۰

۲۱۱۹

۸۸/۰۵/۰۵

جناب آقای هاشمی رفسنجانی ریاست محترم مجلس خبرگان رهبری

با سلام و دعای خیر، همان گونه که اطلاع دارید کشور ما در شرایط کنونی وضعیتی بحرانی را تجربه می‌کند، وضعیتی که با همه ی بحران‌هایی که تا کنون بر این سرزمین گذشته است، از نظر ماهیت متفاوت است. نیز به خوبی می‌دانید که ریشه ی بحران موجود در زیاده‌خواهی اقلیتی است که بر خلاف خواست جمعی مردم - اما به نام آنان - قصد دارد که همچنان بر مصدر حکومت بماند و رای و نظر خود را بر تمامی مردم تحمیل کند. سخنان جنابعالی در خطبه‌های نماز جمعه بیست و ششم تیر ماه تلویحاً و گاه تصریحاً به همین موضوع اشاره داشت.

نهضت آزادی ایران نیز به عنوان یکی از قدیمی ترین احزاب سیاسی ایران، اعتقاد دارد که اگر بحران فعلی بدرستی مدیریت نگردد و حاکمیت نتواند اعتماد عمومی از دست رفته را باز گرداند، نظام جمهوری اسلامی به مرور به سمت‌وسویی حرکت خواهد کرد که سرانجام نه از جمهوریت آن چیزی بر جای ماند و نه از اسلامیت آن.

جنبش اصلاح طلبی و تغییرات و اصلاحات تدریجی و قانونمند از آن جهت ضرورت دارد که در صورت انباشت نارضایتی مردم و استمرار سرکوب و فشار، مناسبات سیاسی و شکاف میان ملت و دولت به انفجار گسترده ای با پیامدهای نا معلوم و غیر قابل اجتناب منتهی خواهد گردید. بدیهی است ما چنین وضعیتی را مغایر منافع و امنیت و مصالح ملی می‌دانیم.

چگونه قابل تصور است که پس از گذشت سی سال از انقلاب شکوهمند اسلامی که بر اساس خواست جمعی و همت مردم شکل گرفت و به دلیل عدم تمکین حکومت از این خواست جمعی منجر به سقوط رژیم پهلوی گردید، اینک شاهد باز تولید همان ساختار و همان روابط قدرت در نظام جمهوری اسلامی باشیم، تا آنجاکه اعتراض آرام و مسالمت‌آمیز جمعیت چند میلیونی مردم در شهرهای مختلف به خاک و خون کشیده شده و پاسخ آنان با گلوله داده شود. شماری از مردم شهید، شمار بیشتری مجروح و جمع دیگری نیز به زندان انداخته شوند؟ این پاسخ حکومتی است که خود از دل یک انقلاب بیرون آمده است و بسیاری از رهبران آن طعم زندان، شکنجه و سرکوب را در رژیم ستم‌شاهی چشیده‌اند و

از سرانجام نظام‌هایی که پایه‌ی آنها بجای مشروعیت برآمده از خواست مردم بر زور عریان استوار گردیده، به نیکی آگاهند.

همچنین جنابعالی در خطبه‌ی نماز جمعه راه‌های برون‌رفت از بحران موجود را برشمردید. راه‌هایی همچون آزادی دستگیرشدگان حوادث اخیر، دلجویی از آسیب‌دیدگان و خانواده‌های آنان، رفع محدودیت از رسانه‌های جمعی، برخورد بی‌طرفانه رسانه‌ی ملی با معترضین، دلجویی از مراجع و علما و در نهایت حرکت در چارچوب قانون.

در روزهای پس از انتخابات، شمار زیادی از فعالان سیاسی کشور از جمله بیش از بیست تن از اعضای نهضت آزادی ایران در تهران و شهرستان‌ها، که در اکثر موارد بدون حکم قضایی یا با استناد به احکامی کلی که فاقد ارزش قضایی است، حاضر، بازداشت و روانه زندان شده‌اند. اخبار و شایعات منتشر شده در سطح جامعه حاکی از وخامت حال بعضی از این افراد و تلاش ماموران جهت اعتراف‌گیری از آنان بهر شکل ممکن است. در صورت صحت این شایعات، علاوه بر فقدان وجهت قانونی و ارزش حقوقی این گونه اعترافات، آنچه بیش از پیش از دست می‌رود اعتبار نظام جمهوری اسلامی و بیش از آن اعتبار شریعت اسلام است، که اخذ اعتراف از متهمان در زندان را در شرایط غیر طبیعی، حرام شرعی می‌داند. نیز کم نیستند کسانی که در همین دوره، در سطح خیابان‌ها و در تجمعات اعتراضی به وسیله‌ی افراد موسوم به لباس شخصی بشدت مورد ضرب و جرح قرار گرفته و دچار آسیب‌های جسمی و روحی گاه جبران‌ناپذیر شده‌اند. در شرایطی که هیچ نهاد قانونی مسئولیت فرماندهی این افراد را بر عهده نمی‌گیرد و پاسخگوی رفتارهایی چنین سببانه نیست، آسیب‌دیدگان چگونه می‌توانند از ضاربانشان شکایت به مراجع ذیصلاح برند؟ مگر در گذشته از این گونه شکایات نتیجه‌ای عاید شاکیان شده است؟ برآستی پاسخ حاکمان به خانواده‌های قربانیان این حوادث چیست؟ آیا آنان باید بپذیرند که از این پس پاسخ هرگونه انتقاد و اعتراض آرام و مسالمت‌آمیز به عملکرد حاکمان نظام اسلامی گلوله، زندان و ضرب و جرح است.

سانسور شدید مطبوعات منتقد و بستن هر از چند گاه آنها، به صورت جمعی، چه پس از انتشار یک یا چند شماره و چه توقیف آنها پیش از انتشار، داستان کهنه‌ای است که بازگویی آن برای جنابعالی و مردمی که سالهاست با این رفتارهای غیرقانونی آشنایند، تنها باعث اطاله کلام است. کار بدانجا رسیده است که انتخاب تیترو گزینش مطالب روزنامه‌ها نیز بعضاً با حضور ماموران امنیتی در دفاتر روزنامه‌ها یا چاپ‌خانه صورت می‌گیرد.

صدا و سیما نیز که قرار بوده است رسانه‌ی ملی باشد و از سوی همه‌ی ملت سخن بگوید، در دست صاحبان قدرت به مهمترین ابزار در جهت انتشار مطالب نادرست، ایراد اتهامات واهی به معترضان انتخابات و سرپوش نهادن بر حقیقت و واقعیت تبدیل شده و عملاً باعث سلب اعتماد عمومی از حکومت گردیده است.

همه‌ی این موارد بالا، مصادیق نقض صریح قوانین جاری در کشور است و در صورتی که اراده‌ای مبنی بر اصلاح امور وجود داشته باشد، رفتارهای یاد شده بدون تردید قابل تعقیب قضایی است. ما نیز سخن شما را در باره‌ی ضرورت بازگشت همگان به قانون و حرکت در چارچوب آن تایید می‌نماییم. سالها

است که سخن ما و تمامی فعالان سیاسی اصلاح طلب نیز تمکین به قانون و پرهیز از رفتارهای فراقانونی است. اما خودتان نیک می‌دانید که منشاء رفتارهای خلاف قانون، نه مردم و نه احزاب اپوزیسیون قانونی داخل کشور، که نهادهای رسمی حکومت می‌باشند. هم آنها که همواره در حاشیه‌ی امن قرار دارند و هیچ نهاد قضایی قدرت محاکمه و مقابله با آنها را ندارد.

سخن آخر آن که توقع مردم از شما، به عنوان رییس منتخب مجلس خبرگان و رییس منتصب مجمع تشخیص مصلحت نظام، چیزی بیش از توصیه‌های اخلاقی به مدیران و کارگزاران نظام مبنی بر رعایت قانون است و انتظار می‌رود که راهکارهای عملی و اجرایی برخورد با بی‌عدالتی‌ها و بازگشت حاکمان به قانون و مجازات متخلفان از آنها نیز پیگیری کنید.

جنابعالی به نیابت از سوی مردم بر کرسی ریاست مهم‌ترین و بالاترین نهاد حکومتی در نظام جمهوری اسلامی تکیه زده‌اید. اینک انتظار بحق مردم آن است که به نمایندگی از سوی آنان به وظیفه خطیرتان در برابر آنچه رخ داده و در حال رخ دادن است، بدان گونه عمل کنید که حق نمایندگی مردم ادا شده باشد.

العاقبه للمتقين

نهضت آزادی ایران